

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معاونت علمی و فناوری
شبکه دانش کشاورزی
سلسله برنامه‌های ویدیو کنفرانس انتقال دانش به‌روز در گستره ملی بخش کشاورزی

عنوان:
چالش‌ها و معضلات حقوقی مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز

.....

سخنران:
دکتر نوید دهقانی
عضو هیأت علمی پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری
۲۲ مهرماه ۱۴۰۳ - ساعت: ۱۰ الی ۱۱:۱۵

تعریف حقوق



جمع واژه حق مجموعه قواعدی است که از طریق مؤسسات اجتماعی یا دولتی، جهت تنظیم رفتار، ایجاد و اعمال می شود.

دانش حقوق، دانش تحلیل و سیر تحول قواعد حقوقی است.

همچنین حقوق مجموعه قوانین و مقرراتی است که حاکم و ناظر بر روابط افراد و اشخاص هستند.

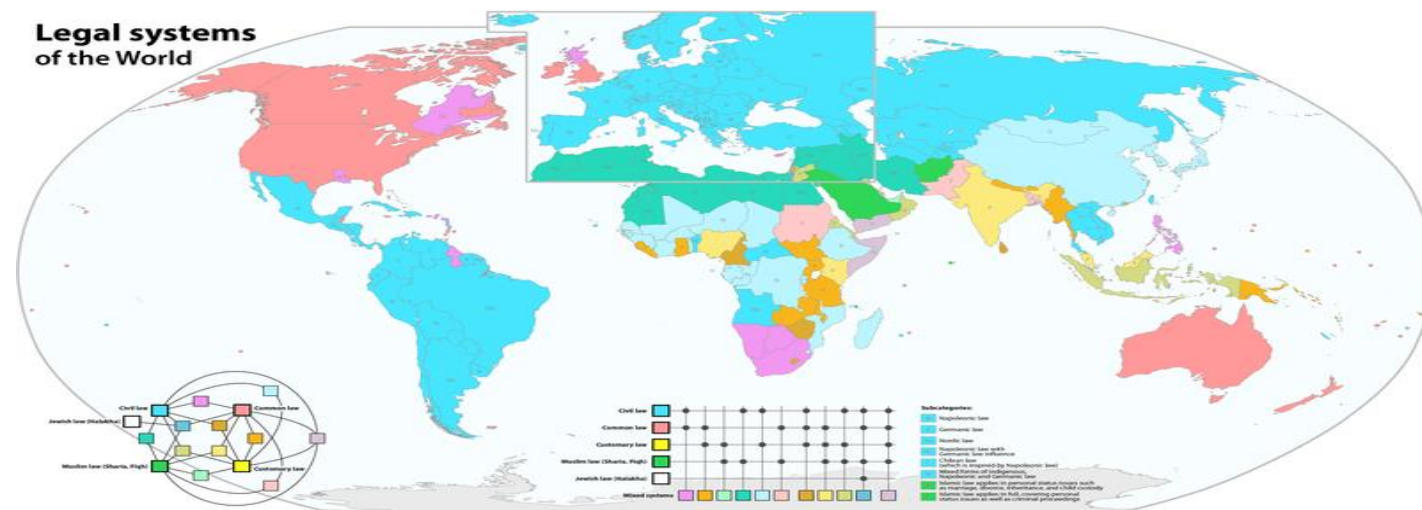


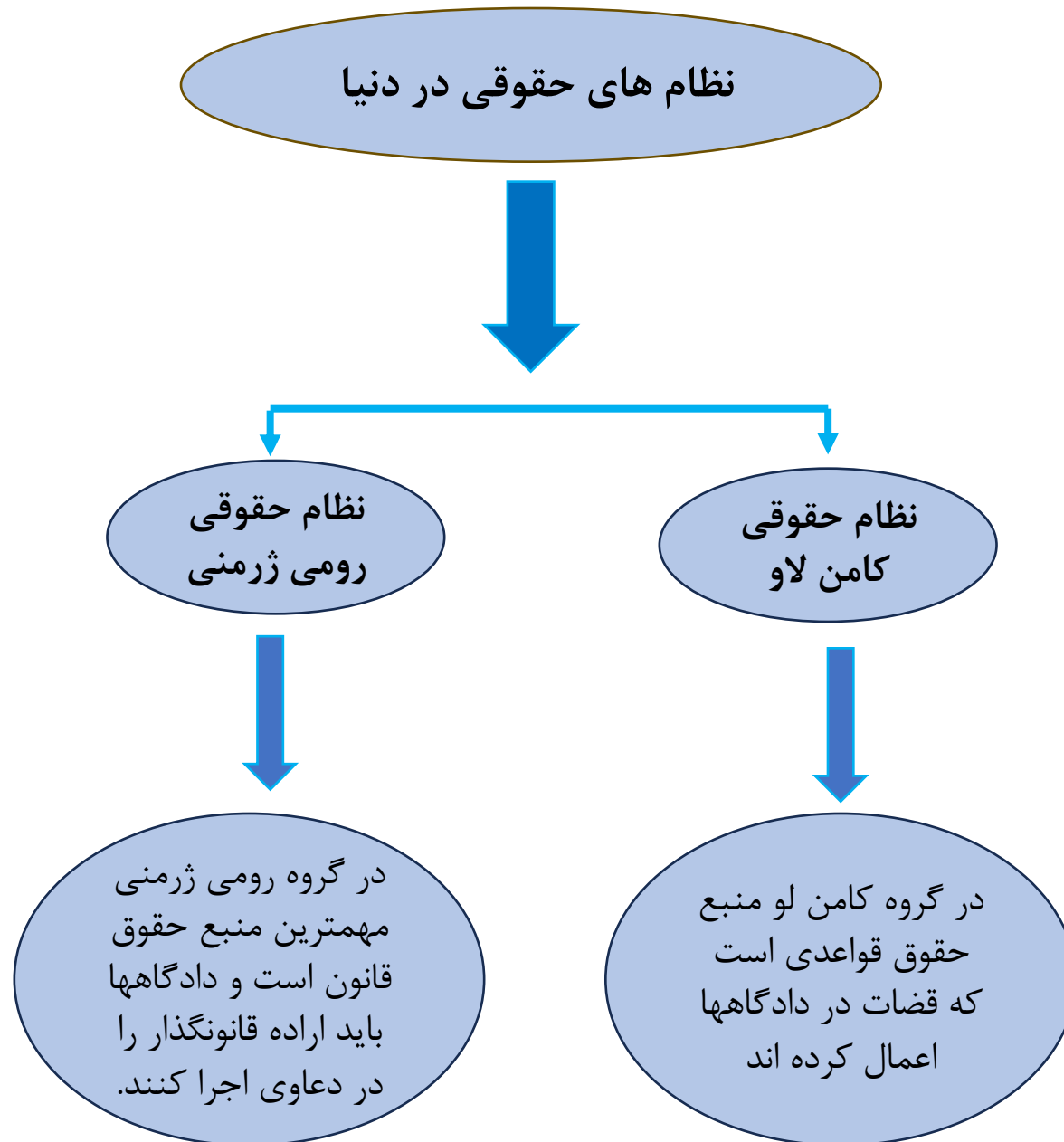
حقوق در نظام‌های حقوقی ملی به روش‌های مختلفی ایجاد می‌شود:

۱- از راه وضع یا نسخ قانون (قانون‌گذاری) توسط قوه مقننه از طریق صدور آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های دولتی در قوه مجریه، و تصمیمات قضایی الزام‌آور در قوه قضائیه (که این روش آخر در نظام‌های کامن لا اهمیت بیشتری دارد).

۲- اشخاص خصوصی هم می‌توانند قراردادهای الزام‌آور قانونی را میان خود ایجاد کنند و در برخی وضعیت‌ها با توافق یکدیگر سیستم‌های میانجی‌گری را جایگزین فرایند معمول دادگستری کنند.

قانون اساسی نقش انکارناپذیری در شکل‌گیری و ساماندهی هر کشور دارد و نظام حقوقی نیز به نوبه خود شکل‌دهنده سیاست، اقتصاد و جامعه است و روابط میان افراد را هدایت می‌کند.

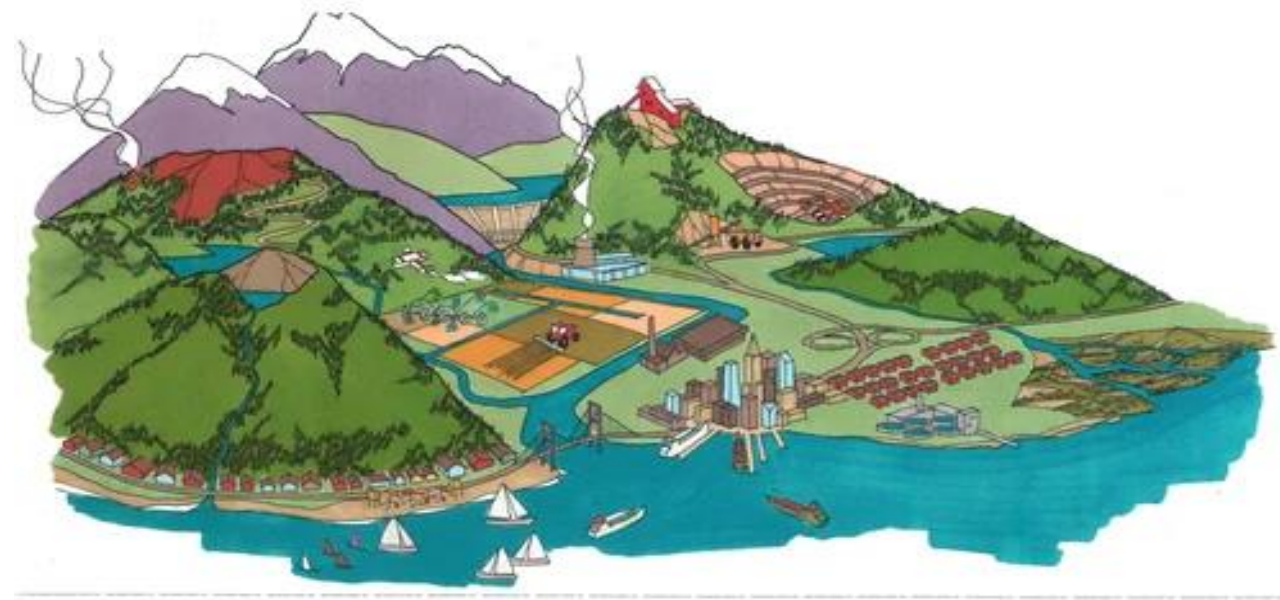




علم حقوق : بستر ساز حل معضلات اجتماعی

علم حقوق با تقسیم بندی به شاخه های مختلف سعی در بسترسازی مناسب برای حل معضلات اجتماعی بخشهای گوناگون دارد در تقسیم بندی سنتی و پایه ای علم حقوق این علم به دوشاخه عمده تقسیم بندی شده است.

آنچه به روابط و حقوق فردی مرتبط است؛ حقوق خصوصی
و آنچه به روابط و حقوق جمعی و اجتماعی مرتبط است؛ حقوق عمومی نامیده میشود
هر کدام از این دوشاخه دارای تعدادی زیر شاخه هستند که به واکاوی و ارائه راه حل در امور وابسته می پردازند.



تعریف مدیریت جامع حوزه های آبخیز

مدیریت جامع حوزه آبخیز: فرآیندی آگاهانه است که جنبه‌های مختلف بهره‌برداری از منابع طبیعی (بیوفیزیکی، اجتماعی-سیاسی و اقتصادی) را در یک سیستم مدیریت پایدار به منظور دستیابی به اهداف بهره‌برداران (امنیت غذایی، سودآوری، کاهش خطرپذیری) با در نظر داشتن اهداف جامعه (کاهش فقر، رفاه نسل‌های آینده و حفاظت از محیط زیست) تلفیق می‌کند.

مهم ترین چالش های
مدیریت جامع حوزه آبخیز

- ۱- تعدد مراکز تصمیم گیری
- ۲- عدم انسجام برون سازمانی
- ۳- عدم مشارکت واقعی ذینفعان در طراحی و اجرای پروژه ها
- ۴- کم رنگ بودن مطالعات اجتماعی و اقتصادی طرح های آبخیزداری
- ۵- ضعف قوانین و امکان اعمال سلايق فردی
- ۶- بی توجهی به ارزش گذاری اقتصادی منابع طبیعی
- ۷- فقر ساکنین و وابستگی معیشتی آنان به بهره برداری از منابع طبیعی
- ۸ - عدم هماهنگی بین کاربری های مختلف از قبیل جنگل ، مرتع ، کشاورزی و ...
- ۹- کمبود اعتبارات و عدم تخصیص به موقع آن

مهم ترین چالش های مدیریت جامع حوزه آبخیز

- ۱۰- محدودیت تعداد سازمانهای مردم نهاد تأثیرگذار بر مدیریت حوزههای آبخیز
- ۱۱- عدم انسجام برون سازمانی
- ۱۲- عدم وجود طرحهای آمایش سرزمین
- ۱۳- کمبود آمار و اطلاعات دقیق
- ۱۴- عدم برگزاری دوره های آموزشی مناسب در زمینه مدیریت حوزههای آبخیز برای مردم محلی
- ۱۵- فقدان برنامه های ایجاد اشتغال جایگزین و منابع درآمدی ناشی از اجرای پروژه ها
- ۱۶- مبهم بودن حقوق مالکیت منابع طبیعی
- ۱۷- کم رنگ بودن مطالعات اجتماعی- اقتصادی طرحهای آبخیزداری

مهم ترین چالش های
مدیریت جامع حوزه
آبخیز

۱۸- عدم ایجاد هماهنگی لازم بین وزارتخانه های ذیربط در اجرای برنامه های مدیریت حوزه های آبخیز

۱۹- ضعف اطلاع رسانی عمومی

۲۰- تنوع بهره برداران و ذینفعان

۲۱- ضعف حضور شرکتها و بخش خصوصی در مدیریت حوزه آبخیز

۲۲- عدم احساس مالکیت مردم محلی

۲۳- نبود برنامه فرابخشی بالادستی

۲۴- تغییرات متعدد در نظام مدیریت حوزه های آبخیز کشور

۲۵- عدم انسجام درون سازمانی

۲۶- تأکید بر ممانعت جوامع محلی از بهره برداری از منابع طبیعی به جای مشارکت در مدیریت آن

۲۷- عدم توجه کافی به تحلیل جنسیتی در پروژه های حوزههای آبخیز

۲۸- عدم وجود هماهنگی بین ساختارهای سه گانه مدیریتی (ملی، منطقه ای و محلی)

مهم ترین چالش های
مدیریت جامع حوزه
آبخیز

- ۲۹- فاصله محسوس بخشهای تحقیق، آموزش و ترویج
- ۳۰- بی اعتمادی مردم محلی نسبت به پروژه های حوزه های آبخیز
- ۳۱- کمبود نیروی انسانی متخصص
- ۳۲- عدم آموزش کافی به مدیران، کارشناسان و مروجان
- ۳۳- عدم پشتیبانی مقامهای سیاسی در سطح ملی و منطقهای
- ۳۴- نبود تعاونی های قدرتمند منابع طبیعی و آبخیزداری در حوزه های آبخیز
- ۳۵- عدم توجه یکسان به ذینفعان بالادست و پایین دست حوزههای آبخیز
- ۳۶- تداخل برخی از حوزه های آبخیز با کشورهای همسایه
- ۳۷- تداخل مرزهای سیاسی بخش ها و شهرستانها با حوزه های مشترک

مهم ترین چالش مدیریت جامع حوزه آبخیز (بحران آب) هم در آب های سطحی هم در آب های زیرزمینی

تشدید افت سطح آب و کسری مخزن در آبخوان ها، ممنوعیت بیش از ۳۱۷ محدوده از ۶۰۹ محدوده مطالعاتی کشور را به دنبال داشته است و روند وخیم و رو به تزاید بهره برداری های بی رویه از منابع آب زیرزمینی و با راندهای بسیار پائین تر از متوسط نرخ جهانی چه در مبحث انتقال و مصرف در مزرعه و چه در تولید ماده خشک، به ویژه در ده سال اخیر که حکایت از خسران دارد، موجب شده است تا روند افت منابع آب زیرزمینی شدت بیشتری به خود گیرد، به طوری که آبخوان های کشور سالانه با میانگین کسری حجم مخزن حدود ۵ میلیارد متر مکعبی مواجه هستند و با نگرشی به روند مصرف منابع آبهای زیرزمینی کشور در می یابیم که در ۱۷ سال اخیر مخازن آب زیرزمینی با کسری مخزن ۱۰۹ میلیارد متر مکعبی مواجه شده اند که حدود ۹۴ میلیارد متر مکعب آن در بیست سال اخیر و ۸۰ میلیارد متر مکعب آن در ۱۵ سال ۳۷/۵ میلیارد متر مکعب آن مربوط به دوره کوتاه ۷ سال گذشته است. این موضوع آینده ای تاریک برای بخشهای وسیعی از کشور را در ابعاد مختلف اقتصادی اجتماعی و حتی فرهنگی رقم زده و خواهد زد.

وضعیت اقلیمی ایران

آب و هوای ایران به طور کلی متنوع است و به دلیل موقعیت جغرافیایی و وسعت زمینی کشور، انواع مختلفی از آبوهوا در ایران دیده می‌شود. ایران با تنوع جغرافیایی خود، از مناطق گرم و خشک در جنوب تا مناطق سرد و کوهستانی در شمال و غرب کشور برخوردار است. در ادامه، برخی از نواحی آبوهوایی ایران را توضیح می‌دهیم:

۱. مناطق جنوبی و جنوب شرقی: در این مناطق، مانند استان هرمزگان و سیستان و بلوچستان، آبوهوای گرم و خشکی حاکم است. تابستان‌ها بسیار گرم و خشک بوده و در برخی مناطق درجه حرارت به بیش از ۵۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد.

۲. مناطق شمالی و شمال غربی: این مناطق شامل استان‌های مازندران، گیلان، آذربایجان شرقی و غربی است. آبوهوای این نواحی معتدل تا مرطوب است. تابستان‌ها معمولاً معتدل و خنک و زمستان‌ها سرد و بارانی است. مناطق کوهستانی در شمال غربی ایران می‌توانند زمستان‌هایی بسیار سرد و برفی داشته باشند.

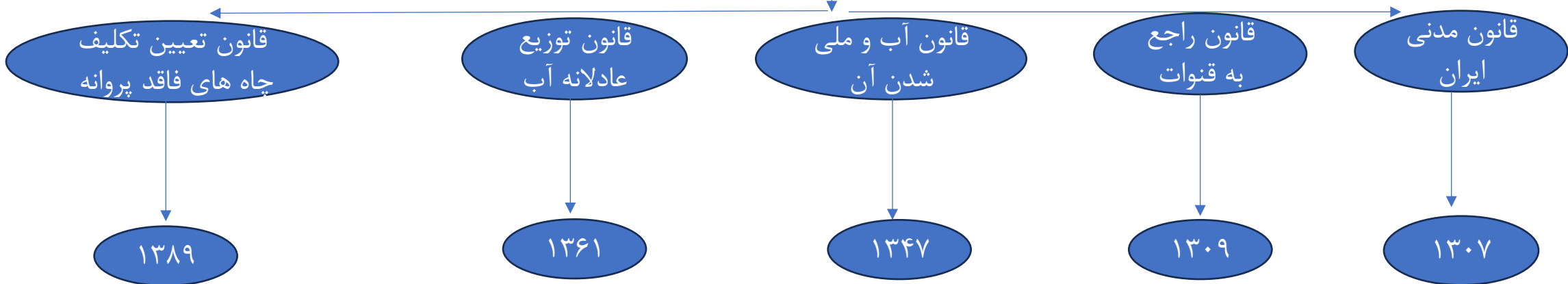
۳. مناطق مرکزی: شهرهایی مانند تهران، اصفهان و کرمان در این نواحی قرار دارند. آبوهوای این مناطق متغیر است، اما به طور کلی دارای تابستان‌های گرم و خشک و زمستان‌های سرد و خشک است. در تهران به طور معمول تابستان‌ها درجه حرارت بالا و زمستان‌ها همراه با بارش باران و برف است.

۴. مناطق کوهستانی: رشته‌کوه‌های البرز و زاگرس در ایران واقع شده‌اند و در این مناطق، آبوهوا با توجه به ارتفاع و موقعیت جغرافیایی متغیر است. در کوهستان‌های مرتفع‌تر درجه حرارت کمتر است و برف و باران فراوانی دریافت می‌شود.

محدودیت جدی منابع آب ایران

بحران آب در کشور ما ایران، نزدیک دو دهه است که تبدیل به مسئله‌ای مهم برای مردم و سیاست‌مداران کشور شده است و در چند سال اخیر یکی از موضوعاتی است که همیشه در رسانه‌ها مطرح شده است. ایران به دلیل قرارگیری در کمربند خشک و نیمه‌خشک، منابع آبی کم و نزولات جوی کمی دارد. این مسئله کمی آب با توجه به رشد جمعیت و توسعه کشاورزی، شرب و صنعت باید با مدیریت منابع آب و با استفاده روش‌های متنوع جبران شود. دولت در قبال این موضوع مهم‌ترین نقش را در ایران دارد که باید سیاست‌گذاری مناسبی در جهت مدیریت آب انجام دهد. ولی در حال حاضر به بحران آب به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی کشور توجه کافی نمی‌شود و نبود برنامه مدون و کارکرد بخشی سازمان‌های مختلف در زمینه آب باعث بدتر شدن وضعیت منابع آبی کشور شده است. از منظری نهادگرایانه، نهادهای مختلفی در مدیریت منابع آب دخیل هستند که به صورت کلی به نهادهای سیاست‌گذار و اجرایی تقسیم می‌شوند. نهادهای سیاست‌گذار در زمینه منابع آب در کشور ما هنوز نتوانسته‌اند به سیاست‌های منسجم و مشخص در زمینه درک بحران آب و چاره‌جویی اصولی بحران دست یابند. در بخش نهادهای اجرایی نیز هر نهاد مرتبط با آب در کشور بدون توجه به بحران آب و تبعات اجرای سیاست‌های بخشی بر منابع آب، سعی در تأمین آب بیشتر در راستای اهداف سازمانی دارد. نبود سیاست‌های منسجم و کارشناسی برای مواجهه با بحران آب و اجرای سیاست‌های بخشی بدون توجه کافی به کمبود منابع آب باعث شده که سیاست‌های توسعه‌ای کشور بر منابع آب فشار زیادی وارد کرده و چالش‌های بحران آب هر روز بیشتر شوند.

تغییرات قوانین آب در سیر تاریخ حقوق ایران



بررسی قوانین تصویب شده



۱- در قانون مدنی ، بر اساس قواعد کهن و عرفی و شرعی با اقتباس از فقه امامیه در ابتدا آب های زیرزمینی را از اموال مباح بر شمرده و دوم به اشخاص این اختیار را داد تا بر اساس چهار قاعده حقوقی ذیل به مالیت خصوص بر منابع آب دست یابند .



حیازت
مباحات

عقود و
تعهدات

ارث

اخذ به
شفعه

اسباب تملک



ماده ۱۴۰- تملک حاصل می شود :
۱- به احياء اراضی موات و حيازت اشیاء
مباحه.
۲- به وسیله عقود و تعهدات .
۳- به وسیله اخذ به شفعه
۴- به ارث .



ماده ۱۴۱- مراد از احيای زمین آن است که اراضی موات و مباحه را به وسیله
عملیاتی که در عرف آباد کردن محسوب است از قبیل زراعت، درخت کاری، بنا
ساختن و غیره قابل استفاده نمایند.

ماده ۱۴۶- مقصود از حیات تصرف و وضع ید است یا مهیا کردن وسایل تصرف و استیلا.
ماده ۱۴۷- هر کس مال مباحی را با رعایت قوانین مربوطه به آن حیات کند مالک آن می شود



قراردادها رایج ترین ابزار مالکیت هستند. به طور معمول، یک فرد از طریق یک تجارت مالک می شود



اخذ به شفعه یکی دیگر از اسباب تملک است. شفعه در اصطلاح حقوقی به این معناست که اگر دو نفر در ملک قابل تقسیم شریک باشند و یکی از آنها سهم خود را به شخص ثالثی بفروشد شریک دیگر حق دارد ثمن را به خریدار منتقل کند و در مال تصرف کند.



پس از عقد، ارث رایج ترین وسیله مالکیت است. در ارث، مانند عقد، مال با انتقال است، اما برخلاف قرارداد که انتقال با تراضی انجام می گیرد، وراثت وسیله ای اجباری برای دادن ارث به موصی مقیم متوفی است. اراده مالک در انتقال قهری بیش از $\frac{1}{3}$ ملک را تحت تأثیر قرار نمی دهد.

قانون راجع به قنوات



مشمول بر ۹ ماده که بر مدار حقوق خصوصی وضع شده است. به صراحت قائل به جدایی مالکیت آب از زمین است

قانون آب و ملی شدن آن



هدف این قانون تحت نظارت دولت قرار گرفتن بهره برداران قدیم با سازوکارهای مدرن از منابع آب به منظور حفظ منابع بلند مدت جامعه و توسعه پایدار منابع آب بوده است.

رویکردهای اصلی قانون آب و نحوه ملی شدن آن



- ۱- لزوم اخذ پروانه و تعیین میزان بهره برداری
- ۲- جبران خسارت کاهش آبدهی چاه ها یا قنوت سابق
- ۳- عدم لزوم اخذ پروانه حفر برای چاه های خانگی
- ۴- چگونگی سلب حق مالکیت افراد بر آب حیات شده
- ۵- تشخیص حریم چاه ، قنات و مجرا (نسخ ضمنی حریم مندرج در قانون مدنی)
- ۶- وضع چهارچوب برای تخلفات و جرایم آبی

ایرادات حقوقی قانون ملی شدن سال ۱۳۴۷



- ۱- حفر چاه خانگی بدون نیاز به کسب اجازه
- ۲- دادن اختیار به کارگزار در سلب مالکیت از قنوات متروکه (سلب مالکیت بدون حکم دادگاه)
- ۳- عدم ممنوعیت خرید و فروش آب و نفی اختیار قوای بازار در تعیین محل مصرف بهینه
- ۴- عدم تناسب مجازات حفر چاه غیرمجاز در مناطق آزاد و ممنوعه و تفکیک آن
- ۵- فقدان مکانیسم تعادل بخشی به دشت های ممنوعه

ایراداتی که بر اثر تحولات اجتماعی و اقتصادی بعدی بروز کرد



عدم توجه به تاثیر تورم و لحاظ آن برای بروز داشتن جرائم و مجازات تعیین شده



ارزان شدن تخلفات موجب بر افزایش تخلفات آب شد

قانون توزیع عادلانه آب

بین سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ در حوزه آب تخلفات وسیعی صورت گرفت و نهایتاً با تصویب قانون توزیع عادلانه آب به اکثر این تخلفات لباس قانون پوشانیده شد. با توجه به تبصره ذیل ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب که مغایر با تبصره ۲ ذیل ماده ۲۳ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب سال ۱۳۴۷ مبنی بر انسداد فوری و بدون خسارت چاه های غیر مجاز است؛ ظرفیتی فراهم شد تا طیف وسیعی از این چاه ها مجاز تلقی شوند. مهم ترین مشکل حادث شده آن بود که اصولاً قبح تجاوز بر منابع آب زیرزمینی از بین رفت و آغاز کاهش ذخایر استاتیک فرا نسلی آبهای زیرزمینی در دهه ۶۰ کم کم ملموس شد. آثار این اقدامات و برداشت ها در سالهای بعد به صورت کسری مخازن آب زیرزمینی قابل ملاحظه است.

قانون توزیع عادلانه آب

متأسفانه اتخاذ چنین رویکردی توسط قانون گذار در دهه های ۷۰ و ۸۰ نیز سرعت بیشتری به خود گرفت و با توجه به نواقص موجود در قانون مصوب سال ۱۳۶۱ که راه را بر قانونی شدن تخلفات آبی بازنمود؛ نواقص دیگری از این قانون، جلوه گر شد. غفلت از موضوعات مهمی همچون محدود کردن جابجایی، کف شکنی، حفر چاه به جای قنات، حریم چاه جدید، عدم شفافیت مفاهیم حقوقی، پیدا کردن زمینه ای برای کنترل افزایش نیاز به آب با مصارف جدید، بستری است که در این قانون مغفول مانده و راه برای صدور بخشنامه های سلیقه ای گشوده است.

قانون توزیع عادلانه آب

گرچه وضع این قانون در کوتاه مدت توسعه کشت و اشتغال وسیع روستائیان را در پی داشت ولی عاقبت این کار در سال ۹۳ به صورت افت تجمعی آبخوانها بالغ بر ۱۱۰ میلیارد متر مکعب کسری مخزن در آبهای زیرزمینی کشور جلوه گر شده است. در قانون مذکور به جای نگاه حفاظتی قانون سال ۱۳۴۷ به مناطق ممنوعه بر اساس شاخص افت سطح آب ایستابی اعلام منطقه ممنوعه را به پروسه ای مدیریتی؛ سیاسی تبدیل کرد و در میان مدت و بلندمدت این کوتاه اندیشی موجب کاهش و نابودی منابع آب کشور و از بین رفتن سرمایه گذاریهای صورت گرفته در دوره های قبل گردید و دخایر آبی ایران را در شرایط بحرانی در خطر نابودی کامل قرار داد.

از همه نگون بارتر این که پیامی را صادر نمود که متجاوزان خصوصی و دولتی به ناموس آبی ایران قرار نیست که مجازات شوند.

از جمله تبعات قانون گذاری غیر اصولی سال ۱۳۶۱ وجود خلاهایی در اجرا بود که تدوین قوانین تکمیلی از همان جنس را می طلبید، نهادینه شدن این نیاز با ظهور قانون الحاق یک ماده به قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب سال ۱۳۸۴ و هم چنین قانون تعیین تکلیف چاه های فاقد پروانه بهره برداری مصوب ۱۳۸۹ و تعداد زیاد آئین نامه های مختلف است. در دو قانون مذکور قانون گذار با صرف نظر از تکلیف قانونی برخورد با متجاوز صورت مسئله پاک کرده و تجاوز را مشروع اعلام میکند.

تطهیر متجاوزان و تنبیه قانون مداران در قوانین آب ۱۳۶۱، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۹ کار را بدان مرحله رسانید که اغلب قانون شکنان دیگر هیچ ارزشی در اخذ چنین مجوزهایی نمی بینند. تنها بارقه امید برای اصلاح مسائل حوزه آب، در شرایطی که وزارت نیرو و مجلسی همواره تلاش داشتند خطای قانون گذار و مجری را پاک نمایند، در سال ۱۳۸۷ با تصویب نامه هیئت دولت زده شد. این تصویب نامه تنها مدرکی است که تلویحاً به تخلف قانون گذار و مجری در صدور پروانه بهره برداری در مناطق ممنوعه اعتراف دارد. درپند ۴، این تصویب نامه به صراحت وزارت نیرو مکلف گشته با پرداخت خسارت چاه های فعال کشاورزی دارای پروانه را خریداری و مسلوب المنفعه نماید، هر چند که نهایتاً، نه دولت و نه مردم پیگیر این مصوبه نشدند.

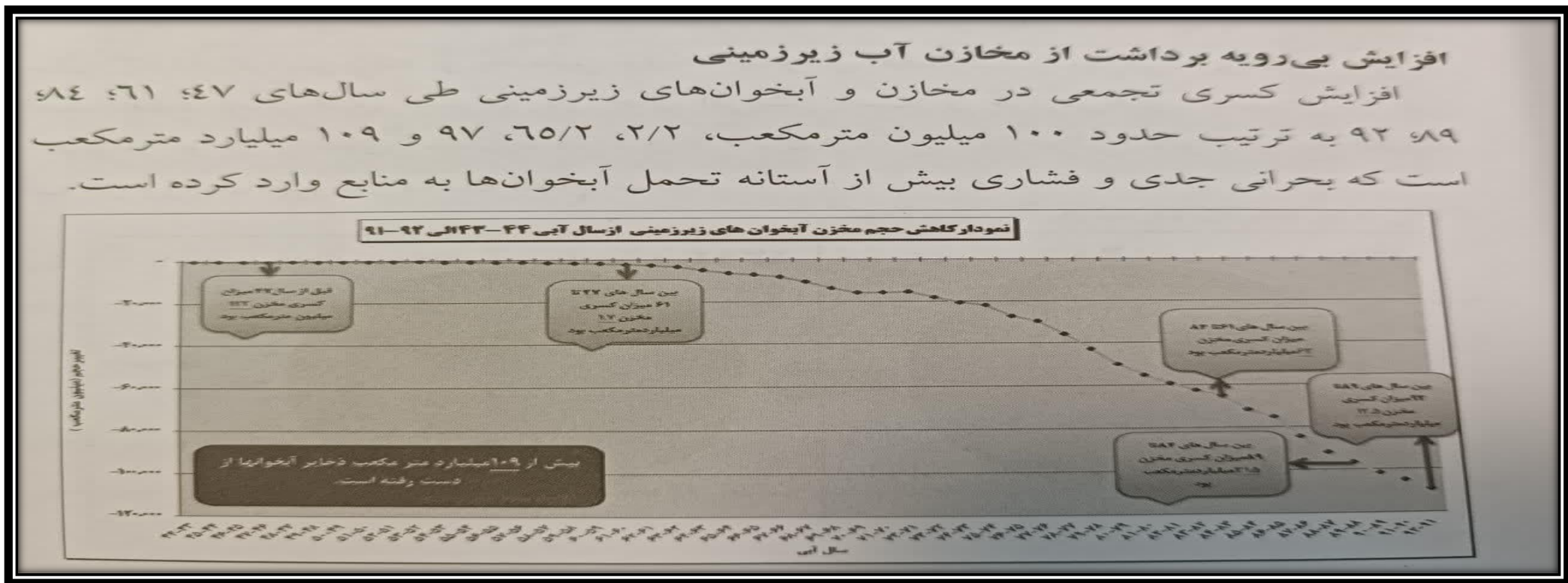
نکته بارز درباره قانون تعیین تکلیف آن است که برای نخستین بار ده ها هزار بهره بردار متخلف لزومی به بهره گیری از قانون برای کسب مجوز قانونی ندیدند. چراکه متخلفان ظرف سه دهه به تجربه دریافته اند که قانونمند شدن چاه موجب نظارت دولت بر سرنوشت ایشان و مزاحمتهای بی پایان برای آنان خواهد شد. این روندی است که با قانون توزیع عادلانه آب و قوانین بعدی شروع و تقویت شده است.

اهم نواقص قوانین موضوعه سال های ۴۷ لغایت ۱۳۸۹

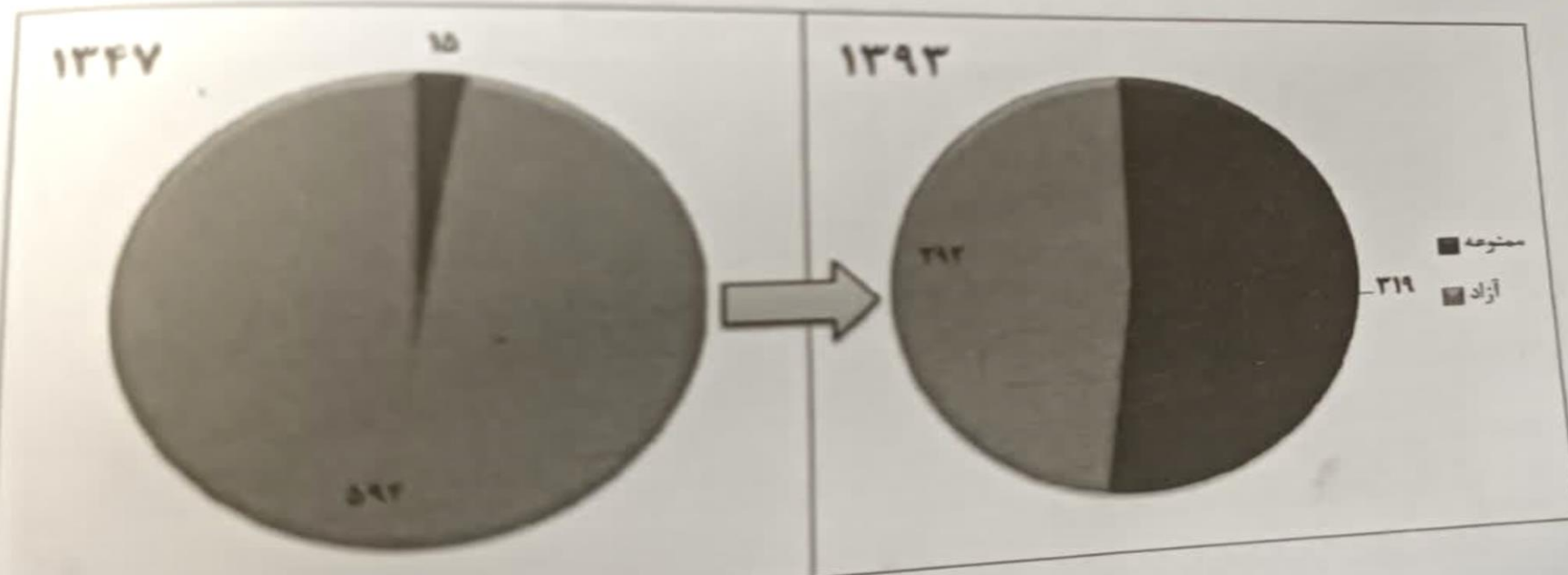


- ۱- ایجاد شرایط مجاز شدن تخلفات و ایجاد انگیزه و فرصت برای صحنه سازی و ایجاد مدارکی که منجر به اخذ پروانه برای چاه های غیر مجاز شود .
- ۲- عدم تعیین زمان و محدودیت زمانی برای مراجعه متخلفین جهت تعیین تکلیف تبصره ۳ قانون توزیع عادلانه آب و قانون تعیین تکلیف چاه های فاقد پروانه
- ۳-عدم توجه به شرایط بحرانی آبخوانهای کشور
- ۴-عدم تصریح قید غیر مجازه برای چاههایی که بدون توجه و احترام به قانون ایجاد شده اند.
- ۵-عدم جامعیت تعریف جرم و مجازات و نیز عدم تناسب بین جرم و مجازات در قوانین مصوب.
- ۶-عدم توجه به ارزش اقتصادی آب و تعیین سهم و جایگاه آب در تولید از دیدگاه اقتصادی

- ۷- ایجاد شرایط مجاز شدن تخلفات و ایجاد انگیزه و فرصت برای صحنه سازی و ایجاد مدارکی که منجر به اخذ پروانه برای چاه های غیر مجاز شود .
- ۸- عدم تعیین زمان و محدودیت زمانی برای مراجعه متخلفین جهت تعیین تکلیف تبصره ۳ قانون توزیع عادلانه آب و قانون تعیین تکلیف چاه های فاقد پروانه
- ۹- عدم توجه به شرایط بحرانی آبخوانهای کشور
- ۱۰- عدم تصریح قید غیر مجاز برای چاههایی که بدون توجه و احترام به قانون ایجاد شده اند.
- ۱۱- عدم جامعیت تعریف جرم و مجازات و نیز عدم تناسب بین جرم و مجازات در قوانین مصوب.
- ۱۲- عدم توجه به ارزش اقتصادی آب و تعیین سهم و جایگاه آب در تولید از دیدگاه اقتصادی



رشد تعداد دشت‌های ممنوعه
 تعداد دشت‌های ممنوعه کشور از حدود ۱۵ دشت در سال ۱۳۴۷ به ۳۱۹ دشت در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته و به دلیل روند صعودی مصارف و بهره‌برداری‌های بی‌رویه آب، تعداد دشت‌های ممنوعه در حال افزایش است و گزارش‌های متعددی در این خصوص و در راستای اعمال ماده ۴ و ۹ قانون و آئین‌نامه اجرایی قانون توزیع عادلانه آب در وزارت نیرو در دست اقدام است.



• عملکرد
جزیره‌ای

نبود نگرش
سیستمی

سیاست‌گذاری‌های
ناکارآمد

• توسعه بدون
توجه به
قابلیت‌ها

وضع قوانین نامناسب
وضعیت کشور

• بی ارزش
نمودن آب
• ایجاد فرصت
برای مجاز
شدن تخلف

افزایش بی رویه و عدم مدیریت مناسب در نحوه مصرف آب، در این منبع حیاتی خواه ناخواه سبب شده روز به روز دست اندازی و تجاوز به منابع آبی افزایش یابد که نتیجه افزایش مصادیق آن، موجب پیدایش مسئله ای به نام بحران آب شده است.

طبق نظریه سازمان ملل متحد در حال حاضر یکی از جدی ترین مشکلاتی که کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران با آن مواجه اند مربوط به ذخایر آب است. به گونه ای که وضعیت بسیاری از این نواحی بحرانی است حال این که بحران آب وجود دارد واقعیتی انکار ناپذیر است.

اما سؤال مهم این است که چه دلایلی بحران مذکور را به وجود آورده است؟ معضلات منابع آبی کدام اند؟ با اندکی تأمل، مهم ترین دلایل بروز این بحران را میتوان

۱- عدم حکمرانی آب

۲- ناهمگونی قوانین و مقررات آبی

۳- عدم مشارکت دادن بهره برداران و ذینفعان در مدیریت منابع آبی و عدم نگاه مسئله آب

۴- هم چنین فقدان سیاست گذاری منسجم و عدم نگاه فرابخشی در زمینه مدیریت منابع آبی

- ۵- تصویب قوانین و دستورالعمل های نامنسجم و غیرهماهنگ توسط قوای مقننه و مجریه
۶- عدم نگاه جدی قوه قضاییه به بحران آب
۷- عدم وحدت رویه در دادرسی های آب

چالش های حقوقی مرتبط با چاه ها



آبهای زیرزمینی شامل چاه ، قنات ها است. در میان این منابع، چاه به دلیل یکی از مهم ترین منابع تأمین آب بشر از اهمیت خاصی برخوردار است. به جهت اهمیت مزبور، مقررات فصل سوم قانون آب و مشتمل بر ۱۸ ماده و در قانون توزیع عادلانه آب مقررات فصل دوم مواد ۳ تا ۱۷ مشتمل بر ۱۵ ماده به آبهای زیرزمینی اختصاص یافته و تعدد این ضوابط به دلیل اهمیتی است که قانون گذار برای این منابع قائل بوده زیرا بیشترین سرانه منابع آبی مناطق مختلف مربوط به آبهای غیر سطحی است و آبهای زیرزمینی در چرخه حیات جزء آب های تجدید شونده محسوب میشوند

امروزه شاید بتوان مهمترین دغدغه ملی آب در ایران را مسئله چاه های غیر مجاز دانست، چاه هایی که با سیاستهای ناصواب تقنینی و اجرایی هر روز به تعداد آنها افزوده و به مرگ برخی از آبخوانها دامن زده اند. یکی از مهم ترین دلایل وقوع چنین بحرانی سیاستهای بلند مدتی است که عملاً مرتکبان حفر چاه های غیر مجاز را در قوانین مربوطه به استمرار چنین عملی تشویق نموده است. علی رغم وجود تصریح قانون گذار به ضرورت اخذ پروانه در قانون آب و نحوه شدن آن برای هرگونه بهره برداری از منابع آبهای سطحی و زیرزمینی و هم چنین صراحت ماده ۲۳ قانون مذکور به پر کردن چاه های غیر مجاز در یک اقدام بی سابقه این بدعت قانون نویسی ایجاد شد. به موجب تبصره ذیل ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب به نحوی انشا شد که برای چاه های غیر مجاز با طی یک فرایند کوتاه و غیر مطمئن پروانه بهره برداری صادر گردد. در این راستا وزارت نیرو هم در خصوص چاههای مشمول تبصره ۳ قانون مزبور به جای آن که از بهره برداری این چاهها جلوگیری نماید برای جبران افت سفره های آب زیرزمینی و جایگزینی آب وجوهی را از مالکین چاه ها دریافت و با آنها قرارداد منعقد نمود و قرار شد این مبالغ برای هزینه شدن در طرح های جبران افت آب و جایگزینی آب صورت گیرد. حال معلوم نیست وزارت نیرو چگونه در نظر داشته با دریافت هزینه از مالکان چاه ها افت سفره های آب زیرزمینی را جبران نماید؟!

ابهامات مربوط به مالکیت و بهره برداری منابع آب
و وجود تضاد بین دولت و بهره برداران



هر چند که قانون اساسی به موجب اصل ۴۵ به صراحت به انفال بودن و غیر خصوصی بودن انواع منابع آب اشاره کرده و از واژه انفال یاد نموده اما این چالش در خصوص حق مکتسبه و استصحاب مالکیت منابع آب به خصوص در منابع آب سطحی به شکل جدی ولا ینحل باقی مانده است. ادعا در وجود مالکیت خصوصی مطلق و بی قید و شرط بر منابع آب به عنوان یک مال شخصی و خصوصی که بهره برداران منابع آب از آن دفاع می کنند؛ شدیداً بر نحوه مصرف آن تأثیر گذاشته و موجب شده تا عمده بهره برداران منابع آب علاوه بر نفی مالکیت عمومی دولت با عدم تمکین از پرداخت آب بها، از وجود هرگونه نظارت دولتی و پیروی از سیاستهای کنترلی دولت تبعیت نکرده و هیچ گونه اهمیتی در جهت بهبود مصرف نداشته باشند

اصول قانون نویسی قوانین مرتبط با منابع طبیعی و محیط زیست

الف) حفاظت

محور و هدف اصلی قوانین مرتبط با این زمینه ، بایستی حفاظت و صیانت کوتاه مدت و بلندمدت از منابع طبیعی و محیط زیست باشد .

ب) قابلیت اجرا

محور و هدف اصلی قوانین مرتبط با این زمینه ، بایستی حفاظت و صیانت کوتاه مدت و بلندمدت از منابع طبیعی و محیط زیست باشد .

ج) جامعیت

مواد و تبصره های قوانین محیط زیستی الزاما بایستی هم راستا، کلی ، جامع ، کامل و کارشناسانه و با در نظر گرفتن ابعاد مختلف زیست محیطی تدوین شده باشند

متأسفانه باید اذعان کرد که قانون تعیین تکلیف نه تنها محافظ منابع آب زیرزمینی نبوده، بلکه بالعکس تهدیدی جدی برای منابع آبی محسوب می شود. قانون مزبور، قانونی جامع و کارشناسی محسوب نشده و قابلیت اجرایی لازم را به هیچ وجه ندارد. این قانون، رفتار غیر قانونی را در بین کشاورزان شیوع داده و به طور غیر مستقیم متخلفین را به ارتکاب جرم تشویق می نماید؛ به صورتی که شاید بتوان مهم ترین ایراد قانون فوق را قائل شدن امتیاز برای متخلفین توسط قانون گذار دانست. همچنین این قانون بر خلاف قانون توزیع عادلانه آب و ماده ۱۵ آن که اصرار بر تحمیل مجازات حفران و بهره برداران غیر مجاز در همه منابع آبی دارد. به تصویب رسیده است.

ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب حفر و بهره برداری از چاه های غیر مجاز را دارای مسئولیت کیفری و مستوجب مجازات دانسته است ولیکن ماده واحده قانون تعیین تکلیف چاه های فاقد پروانه بهره برداری این مسئولیت کیفری را زایل نموده و حتی به نوعی این عمل را امتیاز و اولویت در کسب پروانه و ایجاد کننده حق دانسته است. در نتیجه این بحث باید گفت که قانون تعیین تکلیف، قانون گریزی را شیوع و گسترش داده، وضعیت منابع آب زیرزمینی را وخیم تر از گذشته کرده است. **اگر بخواهیم معادلی برای قانون مزبور شناسایی کنیم بهترین معادل برای آن قانون مرگ آبخوان ها است.** از سوی دیگر این قانون مذکور توسط قانون گذار بر خلاف مصالح ملی و امنیت کشور به تصویب رسیده است. وضعیت حاضر حکایت از آن دارد که منابع و نیز ذخایر آبهای زیرزمینی به شدت در حال آسیب دیدن هستند و اگر اقدامات فوری و اساسی صورت نگیرد، بروز تبعات فنی امنیتی و انسانی دور از ذهن نخواهد بود.

چالش های حقوقی مرتبط با بستر و حریم رودخانه ها

یکی دیگر از منابع مهم آبی رودخانه های دائم و فصلی هستند. از منظر اصول و معیارهای موجود و مطابق با اصل ۴۵ قانون اساسی ج.ا. ایران، رودخانه ها و سایر منابع آبهای سطحی از جمله دریاها را به عنوان انفال شناخته شده که در اختیار حکومت اسلامی قرار دارند. در همین راستا ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ نیز بستر انهار طبیعی و کانال های عمومی و رودخانه ها را در اختیار حکومت جمهوری اسلامی می داند که حفظ و صیانت از آنها به نمایندگی از دولت با وزارت نیرو است. همان گونه که مشاهده می شود ، به نظر قانون گذاران رودخانه ها، ثروت عمومی محسوب شده که متعلق به عموم بوده و دولت به مفهوم آن باید در این راستا برآن مدیریت و نظارت نماید تا به بستر و حریم آن ها تجاوزی صورت نگیرد .

به همین جهت مقنن با دوراندیشی این موضوع در تبصره ۳ ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب بیان داشته است که ایجاد هر نوع اعیانی و حفاری و دخل و تصرف در بستر رودخانه ها و انهار طبیعی ممنوع است مگر با اجازه وزارت نیرو هر چند چنین اشاره ای مطلوب به نظر می رسد، اما عدم تعیین و تبیین ضمانت اجرا در صورت ایجاد اعیانی توسط افراد و سازمانهای دولتی در منطق و شیوه قانون نویسی امری پذیرفته نیست. باید تصریح کرد که اصولاً وجود ضعف شدید در مدل های قانون گذاری و به تبع آن اجرای ناقص و قانون، امروزه سبب گردیده تا به دلایل گوناگونی این ثروت ملی مورد سوء استفاده و تجاوز قرار گیرد.

مهم ترین چالش حقوقی رودخانه ها در حال حاضر در ایران:

۱- موضوع ساخت و سازهای غیر مجاز در حاشیه آن.

۲- همچنین نقیصه قانونی موجود در ضوابط تعیین دقیق بستر

سبب گردیده تا برای اشخاص متصرف بستر و حریم رودخانه ها - که اکثر آنها به قبل از تصویب قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ بر می گردد ، اسناد مالکیت صادر گردد. به علت عدم انطباق ضوابط قانونی تعیین حد بستر با واقعیات موجود، وضعیت به گونه ای رقم خورده که املاک و مستحدثات دارای فاصله طولانی با مصب فعلی رودخانه ها نیز جزو بستر به حساب می آیند چرا که طبق تبصره ۱ ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ آمار هیدرولوژی رودخانه ها و انهار و داغاب در بستر طبیعی آنها، بدون رعایت اثر ساختمان تأسیسات آبی تعیین کننده محدوده بستر هستند. این در حالی است که تغییرات اقلیمی به طور قهری بر این روند اثر گذار هستند و چه بسا معیارهایی مانند سیلاب یا دوره بازگشت ۲۵ ساله و یا کمتر از آن که در قانون مورد اشاره قرار گرفته در حال حاضر مبنایی صحیح برای تعیین بستر نباشد. از نگاهی دیگر باید توجه داشت که رشد و توسعه زندگی شهرنشینی باعث شده تا کاربری های گوناگون مانند تفریحات و فعالیتهای ورزشی آبی تأسیسات مرتبط با گردشگری حوضچه های پرورش ماهی و غیره را در بستر مازاد متروک و مرده رودخانه ها (غیر فعال) ایجاب نماید. اما سؤال اصلی اینجاست که آیا احداث چنین اعیانی هایی در بستر و حریم رودخانه ها مجاز است؟ یقیناً پاسخ به این سؤال منفی است زیرا بستر رودخانه محل ساخت و ساز و احداث اعیانی هایی مانند حوضچه های پرورش ماهی احداث جایگاه سوخت ساحلی و ورزشگاه نیست بلکه محل جریان امن آب و عبور سیلاب بوده که می بایست از هرگونه اعیانی عاری باشد. تنها فعالیت مجاز در بستر رودخانه ها، آن هم با رعایت ماده ۷ آیین نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه ها.... مصوب ۱۳۷۹، کشت موقت زراعت سطحی است

مطابق ماده مزبور کشت موقت در صورتی بلامانع است، که این شرایط را داشته باشد.

۱- برای بهره برداری از آب مزاحمتی ایجاد ننماید.

۲ با موافقت قبلی و کتبی شرکت آب منطقه ای ذی ربط صورت پذیرد و رعایت اولویت برای مجاوران برای اجاره بستر باید مدنظر قرار گیرد.

بنابراین هر چند که در ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب امکان موافقت با تصرفات در بستر و یا حریم منابع آبی را منوط به نظر وزارت نیرو کرده اما وزارت نیرو نیز بنا به ملاحظات متعدد حقوقی و فنی نمیتواند با احداث هر نوع سازه ای یا هرگونه فعالیتی موافقت نماید. این ملاحظات از بعد فنی به نظام مدیریت یکپارچه رودخانه و کنترل سیلابها و مسائل اجتماعی آن توجه دارد

و از بعد حقوقی مهم ترین بحث این است که وزارت نیرو هیچ وظیفه ای برای تأمین زمین برای هیچ نوع کاربری و برای هیچ شخص حقیقی یا حقوقی ندارد

اگر وزارت نیرو بخواهد بدون اصل تبعیض، موجبات تصرف را برای همه مردم کشور مهیا کند؛ هیچ زمینی برای رودخانه باقی نخواهد ماند. بنا به همین نوع ملاحظات است که وزارت نیرو در همه موارد اصل ممنوعیت تصرف در بستر را به عنوان یک تکلیف حاکمیتی برای خود نصب العین قرار داده است

راهکارهای برون رفت از چالش های حاکم بر رودخانه ها



- ۱- توجه و الزام ادارات ثبت به استعلام بستر و حریم رودخانه ها از وزارت نیرو
- ۲- الزام ادارات ثبت به تثبیت مالکیت حکومت اسلامی بر بستر منابع آبی
- ۳- توجه و الزام دستگاههای اجرایی به این که قبل از اجرای طرح های مربوط به خود و صدور پروانه لازم بستر و حریم رودخانه ها را از وزارت نیرو استعلام نمایند.
- ۴- اصلاح قوانین و تشدید مجازات متجاوزان به منابع آبی و محکوم نمودن متجاوزین به پرداخت هزینه های واقعی جرائم و اعاده به وضع سابق.
- ۵- اصلاح مقررات مربوط به منابع آبی و به ویژه اصلاح دستورالعمل طرح بهبود مدیریت سواحل ابلاغی ۱۳۹۲ وزارت نیرو
- ۶- تغییر مکانیسم نظارت دادستان ها در قلع و قمع اعیانی های بستر و حریم رودخانه ها به اجرای احکام مرجع قضایی به جای اعلام به شرکتهای آب منطقه ای.
- ۷- ایجاد سامانه ثبت تخلفات متجاوزین به بستر و حریم رودخانه ها از جهت نوع تعدد و تکرار جرائم
- ۸- افزایش اختیارات ضابطین خاص در مواجهه با تجاوزات به بستر و حریم رودخانه ها

راهکارهای برون رفت از چالش های حاکم بر رودخانه ها



- ۸-ارجاع پرونده های مربوط به قلع و قمع اعیانیهای واقع در بستر و حریم منابع آبی توسط مراجع قضایی به کارشناسان منابع آب
- ۹-تشکیل شعب تخصصی آب با هدف جلوگیری از اطاله دادرسی در روند رسیدگی به پرونده های دخل و تصرف در بستر و حریم رودخانه ها
- ۱۰-لزوم هماهنگی مراجع خدمات رسان با هدف عدم خدمت رسانی آب، برق، گاز و غیره به متصرفین رودخانه ها
- ۱۱-لزوم تشکیل پلیس آب به دلیل عدم تکافوی نیروی انسانی شرکتهای تابعه
- ۱۲-پیاده سازی حد بستر و حریم رودخانه ها در طرح های تفصیلی و هادی
- ۱۳-لزوم عدم ارائه پاسخ موافقت مشروط برای استقرار کاربری های با ریسک آلودگی
- ۱۴-لزوم عدم ارائه پاسخ موافقت مشروط برای استقرار کاربری های با ریسک آلودگی بالا در حاشیه رودخانه ها توسط سازمان حفاظت از محیط زیست
- ۱۵- حفاظت از حریم کیفی ۱۵۰ متری رودخانه های حفاظت شده توسط سازمان حفاظت محیط زیست.
- ۱۶-استفاده حداکثری از ظرفیت مصوبات شورای حفظ حقوق بیت المال در حفاظت از اراضی انقال

راهکارهای کلی برون رفت از چالش های منابع آبی



راهکارهای حقوقی

- ۱- اصلاح قوانین با رویکرد حفاظت مدارانه در افزایش کنترل‌های غیر سازه ای بر این منابع و همچنین افزایش کار آبی کیفی و اثرگذاری در سیاست جنایی در حقوق آب
- ۲- تعیین مجازات مرتکبین تجاوز به منابع آبی می بایست متناسب با فعل ارتكابی به نحوی که منجر به ارتكاب مجدد جرم نگردد.
- ۳- تسریع در روند مستندسازی اموال غیر منقول رودخانه ای
- ۴- ثبت اراضی مربوطه به بستر و حریم رودخانه ها
- ۵- انعقاد قراردادهای بستر و حریم رودخانه ها و تشکیل بانک اطلاعاتی مستاجرین
- ۶- متوقف نمودن تجاوز به بستر و حریم رودخانه ها
- ۷- الزام دستگاههای متولی صدور مجوز ساخت و ساز یا تغییر کاربری به هماهنگی با وزارت نیرو قبل از صدور هرگونه مجوز در محدوده اراضی بستر و حریم رودخانه ها و برخورد با متخلفین
- ۸- لزوم انسداد چاه های غیر مجاز و آزادسازی بستر و حریم منابع آبی با هماهنگی دستگاه قضایی و سایر دستگاههای مرتبط با موضوع
- ۹- اعمال مجازات متناسب برای مدیران ادارات و نهادهای دولتی و عمومی برای ارتكاب جرائم علیه منابع آبهای سطحی و زیرزمینی

صرف نظر از ضمانت اجراهای حقوقی که میتوان در قبال متجاوزین منابع آبی اعمال نمود، ضمانت اجراهای غیر حقوقی نیز در جای خود مهم است **ضمانت اجرای مزبور که بیشتر واجد جنبه اخلاقی وجدانی است به مراتب مؤثرتر از اعمال ضمانت اجراهای حقوقی است.** متأسفانه اطلاع رسانی مناسب، فرهنگ سازی و آگاهی بخشی از ابعاد بحران آب و نحوه بهره برداری از آن در میان ذی نفعان که عامل مؤثری در مدیریت این منبع حیاتی است وجود ندارد باید اذعان کرد که در جامعه ایران درک عمومی فراگیر و درست و مناسبی از شرایط و میزان تأثیرات بحران آب نه در بین قشر کشاورزان که حتی در بین تحصیل کرده های دانشگاهی وجود ندارد و تا زمانی که درک مزبور وجود نداشته باشد، هراقدامی برای صیانت از منابع آبی نتیجه ای عقیم خواهد داد. به عبارت دیگر، صرف نظر از شرایط اقلیمی، سرمنشأ بحران مذکور، انفعال مردم و مسئولان در استفاده و مدیریت منابع آب است. در ایران درک شایسته ای از آن که آب به مثابه ی یک نیاز ضروری و جمعی بوده و باید به صورت مشترک صیانت گردد، وجود ندارد. حتی آنهایی که خود را مالک یا حقابه دار می دانند، در صیانت از این ماده حیاتی طبیعی اهتمام شایسته ای ندارند. لذا باید این دغدغه و تلنگر در افراد جامعه و متولیان آب ایجاد و نهادینه گردد. راه کار بعدی، ایجاد بسترهای لازم برای **پیشگیری از وقوع جرائم آبی توسط قوه قضاییه** است. چرا که هزینه های پیشگیری به مراتب کمتر از هزینه های دفع آثار جرم است. این قبیل پیشگیری ها، که می تواند جنبه فرهنگی و قضائی توأمان داشته باشند، می تواند با بهره گیری از همه ظرفیت های موجود و از طریق ابزارهای آموزشی و تبلیغی مناسب صورت پذیرد، به یقین نقش بسزایی در ارتقای فرهنگ مدارا با آب خواهد داشت.

تعدادی از نیازهای تقنینی در حوزه منابع آب

ردیف	قانون	ماده قانون	موضوع ماده	موانع و علل عدم اجرا	پیشنهادها
۱	قانون توزیع عادلانه آب	۲	بستر رودخانه در اختیار حکومت جمهوری اسلامی است. طبق تبصره ۴ ماده ۲ اعیانی‌ها موجود در بستر و ... در صورت مزاحمت، تخلیه و قلع اعیانی‌ها می‌شوند.	به دلیل عدم اهتمام جدی دولت، فقدان برنامه و اعتبار بستر اغلب رودخانه‌ها تعیین نشده است. در موارد متعدد اجرا نشده است.	تأمین اعتبار جهت اجرا تأمین اعتبار جهت اجرا
۲	قانون توزیع عادلانه آب	۱۸ و تبصره ۱ این قانون	وزارت کشاورزی می‌تواند در صورت ضرورت به‌طور موقت نسبت به صدور پروانه مصرف معقول اقدام نماید	چون در بخش کشاورزی وزارت نیرو متولی نیست تاکنون اجرا نشده است. به دلیل مخالفت کشاورزان حقایقه‌ها به‌روز نشده‌اند	اصلاح قانون با توجه به مسئولیت‌ها

۳	قانون توزیع عادلانه آب	۳۰	گزارش مأمورین دارای ابلاغ وزارت نیرو در حکم ضابطین دادگستری خواهد بود	قضات موضوع را نپذیرفته از کارکنان نیروی انتظامی برای صحت گزارش‌ها استفاده می‌کنند	به روزرسانی قانون و تغییر در مفاد آن
---	------------------------	----	---	---	--------------------------------------

۴	قانون توزیع عادلانه آب	۳۱	مأمورین قوای انتظامی موظف‌اند دستورات وزارت نیرو را در اجرای قانون به مورد اجرا گذارند.	فاقد سازوکار اجرایی است	ضمانت اجرایی برای آن تعریف گردد.
۵	قانون توزیع عادلانه آب	۳۲	شرکت‌های آب منطقه‌ای از پرداخت حق‌الثبت و تمیر و هزینه دادرسی معاف می‌باشند.	با تصویب قانون آیین دادرسی مدنی معافیت مذکور لغو گردید.	با ماده واحد مجدداً احیا گردد.
۶	قانون توزیع عادلانه آب	۴۵	جرائم آبی در آب زیرزمینی و سطحی	مجازات در بخش آب بازدارنده و کافی نیست.	بازنگری اساسی در اصلاح ماده ۴۵ (در دست اقدام وزارت نیرو و قوه قضائیه)
۷	قانون توزیع عادلانه آب	۴۶	آلوده ساختن آب ممنوع است مسئولیت تعقیب و پیشگیری و... به عهده سازمان حفاظت محیط‌زیست است.	وزارت نیرو مجوز قانونی در این زمینه ندارد	نیازمند اصلاح قانون برای افزایش مجازات‌های بازنگری در وظایف محیط‌زیست و وزارت نیرو است.
۸	قانون اصلاح قانون معادن	مواد ۴ و ۸	بهره‌برداری از ذخایر معدنی به‌جز موارد مربوط به وزارتخانه‌های نفت و نیرو... به عهده وزارت صنعت و معدن است.	برداشت متفاوت از مواد قانونی مذکور و تداخل وظایف وزارت نیرو با صنعت معدن و تجارت	بازنگری در قانون

۹	قانون تملك اراضى و... مصوب ۵۸/۱۱/۱۷	كليه مواد قانون مذكور	تملك جهت اجراى طرح‌هاى عمرانى و... در اراضى ملى و منابع طبيعى	عدم قابليت اجرا و ممانعت منابع طبيعى و ادعاى خسارت	بازنگرى در قانون با توجه به مشكلات طرح‌هاى عمرانى
۱۰	قانون مجازات اسلامى	ماده ۶۹۰ سابق	اعاده به وضع سابق در مورد تصرف و برداشت شن و ماسه از رودخانه	نمى توان رودخانه را از نظر فنى به حالت سابق برگرداند.	در اين خصوص مجازات بايد تغيير يابد.
۱۱	قانون ثبت اسناد و املاك	۴۱	درخواست ثبت از افراد در خصوص بستر منابع آبى در دواير ثبتى پذيرفته نمى شود.	دواير ثبتى و شهردارى‌ها برخلاف قانون نسبت به اعطائى مجوز و ثبت سند اقدام مى نمايند.	تقديم ماده واحده به مجلس در خصوص الزام ادارات ثبت و شهردارى‌ها به استعلام و موافقت شركت‌هاى آب منطقه‌اى

آسیب شناسی مختصر حقوقی آب کشور در حوزه قضایی



- ۱- توجه به منافع شخصی افراد بیش از منافع و مصالح عمومی در برخی از پرونده های مربوط به منابع آبی توسط برخی از مراجع قضایی یا شبه قضایی
- ۲- فقدان شعب ویژه دادگاه رسیدگی به تخلفات و جرائم مربوط به آب و تعلل در صدور احکام قضایی علی رغم وجود مستندات. (به علت دیدگاه بعضی از قضات به موضوع از نگاه مدارا کردن با مردم و گاهی وجود ذهنیت منفی در بعضی از قضات، مبنی بر اخذ خسارت به منظور درآمدزایی برای شرکت آب منطقه ای)
- ۳- عدم وحدت رویه در صدور دستورات قضات دادرها در طرح شکایات مشابه که باعث دوگانگی و اختلال در تصمیم گیری مجریان می گردد
- ۴- عدم توجه محاکم قضایی به ماده ۵۰ قانون توزیع عادلانه آب مبنی بر رسیدگی فوری و خارج از نوبت به دعاوی و اختلافات بخش آب.
- ۵- عدم قاطعیت در اجرای احکام صادره جهت پر و مسلوب المنفعه کردن چاه های غیر مجاز
- ۶- عدم توجه شعب دیوان عدالت اداری به قانون تعیین تکلیف چاه های آب فاقد مصوب سال ۸۹ اعم از دارا بودن شرایط مقرر در ماده واحده مانند شناسایی توسط وزارت نیرو ، ظرفیت آبی دشت و هم چنین رسیدگی در چارچوب قوانین دیگر

- ۷- عدم توجه شعب دیوان عدالت اداری به قانون تعیین تکلیف چاه های آب فاقد مصوب سال ۸۹ اعم از دارا بودن شرایط مقرر در ماده واحده مانند شناسایی به وزارت نیرو ظرفیت آبی دشت و هم چنین رسیدگی در چارچوب قوانین دیگر
- ۸- عدم رسیدگی مراجع قضایی به پرونده های چاه های محفوره غیر مجاز در خصوص مصارف دآمداری و صنعت به علت ثبت نام مالکین چاه ها . در سایت مربوط به کمسیون آبهای زیرزمینی برابر قانون تعیین تکلیف چاههای فاقد پروانه
- ۹- عدم استناد قضات محترم مراجع قضایی به نقشه های حریم و بستر رودخانه ها که اجرای تبصره یک ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب و آیین نامه های اجرایی تهیه و مصوب گردیده است در دعاوی مطروحه و ارجاع موضوع به کارشناسان غیر مرتبط با حوزه آب که علاوه بر اطاله دادرسی تحمیل هزینه های گزاف کارشناسی، تزلزل مالکیت عمومی بر این اراضی را موجب می گردد.
- ۱۰- عدم توجه کافی مراجع قضایی به گزارشهای مأمورین ماده ۳۰ قانون توزیع عادلانه آب
- ۱۱- تبرئه افراد و تخریب کنندگان تأسیسات و سازه های شبکه های آبیاری پس از طی مراحل پر مشقت شناسایی و معرفی آنها به دستگاه قضایی
- ۱۲- عدم انجام استعلام مراجع ذی ربط از شرکت آب منطقه ای در خصوص حریم منابع آن از جمله اداره ثبت اسناد و املاک در خصوص ثبت امور اراضی، منابع طبیعی و بنیاد سکن در واگذاری اراضی به اشخاص حقیقی و حقوقی که این امر موجب تضییع حقوق دولت و منشأ تعارضات زیادی در محاکم قضایی گردیده است.
- ۱۳- عدم استناد قضات محترم مراجع قضایی به نقشه های حریم و بستر رودخانه ها که در اجرای تبصره یک ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب و آیین نامه های اجرایی تهیه و مصوب گردیده است.



یکی از سیاست‌های اصلی قوه قضاییه که در سال‌های گذشته بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است سیاست کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها با استفاده از اعمال مجازات‌های جایگزین حبس است. قضات به پشتوانه قانونی این سیاست می‌توانند در برخی از جرائم و برای برخی مجرمین از مجازات‌هایی استفاده کنند که هم امکان اصلاح مجرم وجود داشته باشد و هم جامعه از آن مجازات منتفع شود.

در یک نمونه فردی که به اتهام حفاری غیرمجاز یک حلقه چاه به دو ماه حبس و مسلوب‌المنفعه و پر نمودن چاه محکوم شده بود به علت ابراز ندامت و حسن سابقه، عدم سابقه کیفری و وضعیت معیشتی مشمول مجازات جایگزین حبس شد.

قاضی غفاری، رئیس حوزه قضایی بخش دشتابی در راستای اعمال مجازات‌های جایگزین حبس فرد محکوم را به مطالعه و گردآوری مطالبی در بحث قطره ای کردن و آبیاری مکانیزه در امور کشاورزی، تهیه مطالبی پیرامون محاسن و ویژگی‌های نصب کنتور هوشمند به صورت بنر و اعلامیه و ارائه به اهالی و کشاورزان صاحب چاه‌های فرم شماره یک به تعداد ۲۰ حلقه چاه، گردآوری بیانات مقام معظم رهبری راجع به اهمیت مصرف آب و اصلاح الگوی مصرف با توجه به کاهش نزولات آسمانی و ۱۵۰ ساعت همکاری با مأمورین توزیع عادلانه آب مستقر در ادامه منابع آب شهرستان بویین زهرا مکلف کرد.

با تشکر از توجه شما